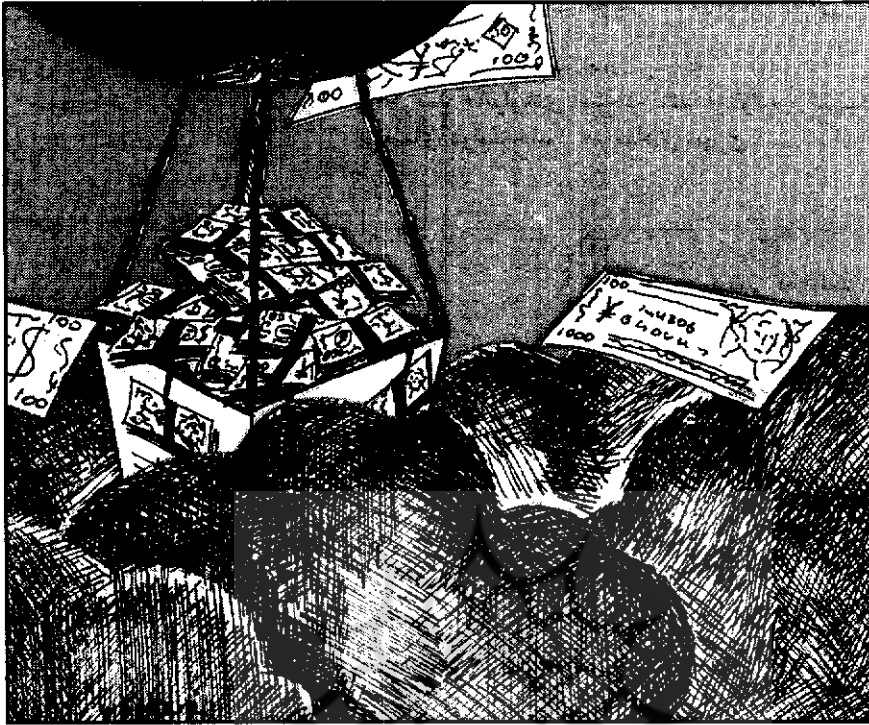


# آزادسازی حساب سرمایه

بخش دوم و پایانی

شکوه سادات سیدعلی اکبر



▲ آیا آزادسازی حساب سرمایه موجب رشد اقتصادی می‌شود یا خیر؟

قرار دارد.<sup>(۱)</sup>

مسئله دیگری که مورد توجه محققان قرار گرفته، این است که میان کنترل‌ها و سیستم نرخ ارز یک همراهی وجود دارد. مشکلات تحرک سرمایه وقتی که نرخ ارز ثابت است، افزایش پیدا می‌کند. کشورهای مثل چین و مالزی که دارای سیستم نرخ ارز ثابت هستند، با اعمال محدودیت روی جریان ورود سرمایه به کشور خود، از سیستم نرخ ارز خود حمایت می‌کنند. نتایج مطالعات محققان در این زمینه نشان می‌دهد که کشورهای دارای سیستم نرخ ارز ثابت، کمتر ممکن است به آزادسازی حساب سرمایه تن دهند.

اما مسئله این است که کدام درون‌زا و کدام برون‌زا هستند؟ آیا تمایل به نرخ ارز انعطاف‌پذیر کشور را وادار به حذف کنترل‌های حساب سرمایه می‌کند؟ آیا تحرک سرمایه و حذف کنترل‌های سرمایه، آن کشور را وادار به اتخاذ سیستم نرخ ارز انعطاف‌پذیر می‌کند؟ در هر حال، ساختن یک مدل رگرسیون که این رابطه علت و معلولی را مشخص کند، بسیار دشوار است.

عده‌ای دیگر از محققان به رابطه مثبت میان آزادسازی حساب سرمایه و دمکراسی اشاره می‌کنند. با

می‌دهد که با آزاد کردن جریان ورود و خروج سرمایه، رشد و توسعه اقتصادی بیشتر شده است. اما چرا چنین است؟ آیا توسعه بیشتر نهادها و بازارها در کشورهای پردرآمد است که شرایط بهتر برای آزادسازی را فراهم می‌کند؟ آیا توسعه سیاسی در این کشورها که زمینه آزادسازی اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌کند، باعث ایجاد یک سری آزادی‌های مالی می‌شود؟ چرا در کشورهای پردرآمد، موانع بر سر راه آزادسازی کمتر است؟

همواره سطح معینی از توسعه با میزان معقولی از کنترل‌ها رابطه دارد و جریان ورود سرمایه، یکی از راه‌های اتصال پس‌انداز داخلی به سرمایه‌گذاری داخلی شناخته شده است.

معمولاً در کشورهایی که نهادها و بازارهای مالی توسعه یافته ندارند، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در حداقل خود قرار دارد. در سال ۲۰۰۰، Garret و دیگران به این نتیجه رسیدند که در کشورهایی که کمبود پس‌انداز داخلی وجود دارد، گرایش به محدودسازی حساب سرمایه بیشتر است. در این کشورها شکاف میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی در سطح حداکثر خود

در بخش نخست این مقاله، ضمن ارائه تعریفی از آزادسازی حساب سرمایه، به موضوعاتی همچون ساختار حساب سرمایه، تحرک حساب سرمایه و شرایط لازم برای آزادسازی حساب سرمایه پرداختیم و یادآور شدیم که تحرک بیشتر سرمایه، باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران به نرخ‌های بازدهی بالاتر دست پیدا کنند و ریسک خود را کاهش دهند و حصول به نرخ‌های بالاتر نیز موجب افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نتیجه، رشد اقتصادی خواهد شد.

و اینک ادامه بحث.

## بانک و اقتصاد

### چه کسانی و چرا آزادسازی می‌کنند؟

بخش وسیعی از ادبیات اقتصادی به این می‌پردازد که آزادسازی حساب سرمایه چگونه صورت می‌گیرد؟ آنچه به طور قاطع وجود دارد، رابطه منفی میان رشد درآمد سرانه و کنترل‌هاست. درآمد سرانه بالا یکی از نشانه‌های توسعه اقتصادی است و کشوری که توسعه یافته باشد، بیشتر مایل است که محدودیت‌های ورود سرمایه را حذف کند. تجربه کشورهای پردرآمد نشان

توجه به اینکه وجود دمکراسی، شناخت افراد را از حقوق خود افزایش می‌دهد و این حقوق شامل حقوق بین‌المللی نیز می‌شود، زمینه ایجاد آزادسازی اقتصادی فراهم می‌شود.

برخی از کشورها از آزادسازی اقتصادی کشورهای همسایه خود الگوبرداری می‌کنند و وقتی می‌بینند که کشورهای هم‌ردیف آنها به سمت آزادسازی روی آورده‌اند، ترغیب به انجام آزادسازی می‌شوند. و گاهی اوقات هم عدم موفقیت کشورهای همسایه در جریان آزادسازی باعث می‌شود که ادامه کنترل‌ها و ایجاد محدودیت‌های خود را بیشتر کنند.

در هر حال، روند اخیر کشورها به سمت آزادسازی نشان می‌دهد که با وجود رکود و بحران‌های مالی در بعضی از کشورهای در حال توسعه، این کشورها به سمت مقررات‌زدایی از نهادها و بازارهای داخلی خود پیش رفته‌اند، دولت‌ها و بانک‌های مرکزی نیز از سیستم نرخ ارز ثابت دست برداشته‌اند و سیستم نرخ ارز انعطاف‌پذیر را ترجیح می‌دهند.

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، دمکراسی برقرار شد و این موضوع باعث هدایت آنها به سمت آزادسازی گردید و در ادامه آن سیاست آزادسازی حساب سرمایه مورد توجه قرار گرفت.

### آیا آزادسازی حساب سرمایه باعث رشد اقتصادی می‌شود؟

Rodrik در سال ۱۹۹۸، رابطه همبستگی میان آزادسازی حساب سرمایه و رشد اقتصادی را در مورد ۱۰۰ کشور صنعتی و در حال توسعه برای سال‌های ۸۹-۱۹۷۵ محاسبه کرد. او به این نتیجه رسید که هیچ‌گونه همراهی میان آزادسازی حساب سرمایه و رشد اقتصادی (GDP سرانه) وجود ندارد<sup>(۱)</sup>. اما مطالعات Queen در مورد ۶۶ کشور توسعه یافته و در حال توسعه در طول دوره ۸۹-۱۹۶۰ که در سال ۱۹۹۷ انجام شد، نشان می‌دهد که یک همبستگی مثبت میان شاخص آزادسازی حساب سرمایه و رشد اقتصادی وجود دارد. این همبستگی از نظر آماری در سطح اطمینان استاندارد معنی‌دار می‌باشد<sup>(۱)</sup>.

اما چرا نتایج تحقیقات متضاد بوده است؟ یکی از دلایل می‌تواند تعداد مشاهدات باشد. در مورد Queen اطلاعات از سال ۱۹۶۰ شروع شده و در مورد Rodrik از ۱۹۷۵ و این امر موجب می‌شود که تعداد بیشتری از مشاهدات که مشمول جریان ورود سرمایه به کشورشان شده، اثر مثبتی را روی رشد تولید سرانه نشان دهد. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که در مطالعات Queen بیشتر کشورهای توسعه یافته در نظر گرفته شده‌اند و این کشورها با توجه به ساختار پیشرفته نهادهای مالی و بانکی، بیشتر به جذب سرمایه خارجی اقدام کرده‌اند.

دلایلی وجود دارد که اثرات آزادسازی حساب سرمایه وقتی که بازارهای مالی و نهادهای اقتصادی توسعه یافته باشند، با وقتی که توسعه یافته نباشند، با هم متفاوت است. جریان ورود سرمایه هنگامی که بازارها به اندازه کافی توسعه یافته باشند، موجب تخصیص کارآیی منابع مالی می‌شود و به دنبال خود، افزایش رشد را می‌آورد. بحران آسیا تجربه خوبی بود و نشان داد که کشورهایی که اقتصادشان را به روی مبادلات مالی بین‌المللی می‌گشایند، فقط وقتی سود می‌برند که بازارها و نهادهای اقتصادی خود را تقویت کرده باشند. بنابراین، یک نظارت محتاطانه لازم است تا آزادسازی حساب سرمایه به رشد اقتصادی منجر شود.

Edwards در سال ۲۰۰۱ به این نتیجه رسید که آزادسازی حساب سرمایه در کشورهای پدیدآمده، رشد اقتصادی را تقویت می‌کند و در کشورهای در حال توسعه، رشد را آهسته‌تر می‌کند<sup>(۱)</sup>. Karayay نیز در سال ۱۹۹۸ تلاش کرد تا این فرضیه را ثابت کند که آزادسازی حساب سرمایه به توانمندی سیستم مالی کشورها بستگی دارد، یا محتاج نظارت‌های محتاطانه است و یا به کیفیت

درآمد سرانه بالا یکی از نشانه‌های توسعه اقتصادی است و کشوری که توسعه یافته باشد، بیشتر مایل است که محدودیت‌های ورود سرمایه را حذف کند.

نهادهای مالی و دیگر سیاست‌های اقتصادی بستگی دارد. نتایج مطالعات او نشان داد که رابطه علت و معلولی میان باز بودن حساب سرمایه و کیفیت نهادهای مالی تقریباً مثبت و معنی‌دار بوده و گاهی حتی منفی نیز بوده است<sup>(۱)</sup>.

Arteta و دیگران هم در سال ۲۰۰۱ در مطالعه خود نشان دادند که رابطه آزادسازی حساب سرمایه و میزان قدرت نقدینگی سیستم مالی منفی است<sup>(۱)</sup>.

در بررسی اثرات آزادسازی حساب سرمایه، ملاحظه می‌شود که کشورهایی که رفعم اقتصادی انجام داده‌اند و پروسه ثبات اقتصاد کلان خود را کامل کرده‌اند و فرصت کافی برای حذف کنترل‌های ارزی داشته‌اند و اختلالات موجود در حساب جاری خود را از بین برده‌اند، توانسته‌اند از باز بودن حساب سرمایه سود ببرند. در عین حال، باید یادآوری شود که هنوز مطالعات انجام شده در این زمینه بسیار ناچیز است.

### رابطه میان بحران‌ها و آزادسازی حساب سرمایه

بحران پول و بانکداری در دهه ۱۹۹۰ این اعتقاد را تقویت کرد که آزادسازی حساب سرمایه، ریسک عدم ثبات مالی را افزایش می‌دهد. اروپا بعد از آزاد کردن کنترل‌های سرمایه‌ای و بعد از گذراندن ماده واحده‌ای در

زمینه ایجاد یک پول واحد اروپایی، با بحران در مکانیزم نرخ ارز اروپایی مواجه شد و رقابت دولت‌ها و بانک‌های مرکزی موجب بروز فشارهای سوداگری گردید و در نهایت، به بحران مالی سال ۱۹۹۲ منجر شد.

آزادسازی حساب سرمایه در بروز بحران آسیا نیز نقش داشت و باز بودن حساب سرمایه به طور گزینشی به بانک‌ها اجازه داد که موجبات بی‌اعتباری دولت‌ها فراهم آید.

موفقیت چین در دور نگهداشتن خود از این عدم ثبات‌ها با ایجاد کنترل‌های حساب سرمایه، یک استثنا بود که قاعده را بر هم نمی‌زند. چین وام‌گیری از طریق اوراق بهادار چینی را محدود کرد و جلوی خروج سرمایه توسط چینی‌ها را گرفت. ورود سرمایه توسط خارجی‌ها را هم مانع شد و معاملات برون مرزی یوان (Yuan) را ممنوع کرد. همه این موارد به اقتصاد چین یک حالت انعطاف‌پذیر داده است.

بسیاری از محققان نیز سعی کردند که علت بحران اروپا و آسیا را در نقش جریان سرمایه خارجی پیدا کنند، اما مشاهدات تجربی این نتیجه‌گیری را تأیید نمی‌کنند. کشورهایی که اختلالات مالی را تجربه کرده‌اند.

گاهی اوقات به تقویت کنترل‌ها و گاهی به سربلندی از کنترل‌ها روی می‌آورند. به طور مثال، کشوری مثل مالزی به دنبال بحران آسیا به کنترل حساب سرمایه دست زد، در حالی که تا بلند و بعد از آن، جمهوری کره در سال ۱۹۹۸ این کار را نکردند، زیرا به دنبال جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی بودند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عدم کنترل می‌تواند هم ریسک بحران را بالا ببرد و هم بالا نبرد. اما واقعیت این است که ریسک بحران‌ها می‌تواند چنان سرعتی در تغییر سیستم حساب سرمایه ایجاد کند که تشخیص رابطه علت و معلولی میان این دو متغیر را دشوار سازد.

تحقیقات تجربی نشان می‌دهند که یک همبستگی مثبت میان کنترل‌های حساب سرمایه و وقوع بحران‌ها وجود دارد. اما در تفسیر دیگری از تحقیقات انجام شده در سال ۱۹۹۷ به این نتیجه رسیده‌اند که حفظ یا اعمال کنترل‌ها همواره یک علامت منفی را به بازارها می‌فرستد. سرمایه‌گذاران به کشوری که اقدام به کنترل حساب سرمایه می‌کند، مشکوک می‌شوند، و از اینکه اعمال کنترل ممکن است حقوق آنان را خدشه‌دار کند، نگران می‌شوند. این علامت گاهی اوقات سرمایه‌گذاران را به فرار تحریک می‌کند و گاهی هم چنین نمی‌کند<sup>(۱)</sup>.

علامت‌هایی که کنترل حساب سرمایه به بازارها می‌فرستد، با هم متفاوت می‌باشند. به طور مثال، در مورد شیلی کنترل جریان ورود سرمایه، یک اقدام محتاطانه بود که موجب تقویت مقررات و تثبیت سیستم مالی شد. در مورد کنترل‌های جریان خروج سرمایه، گاهی اوقات مسوولان امور دچار ناامیدی می‌شوند. Rossi در سال



طوری که در بعضی از تحقیقات رابطه میان رشد اقتصادی و آزادسازی حساب سرمایه منفی و در بعضی از مطالعات این رابطه مثبت بوده است.

بسیاری از محققان بر این اعتقادند که آزادسازی حساب سرمایه در بروز بحران‌های 'روپا و آسیا در دهه ۱۹۹۰ نقش داشته، اما عکس‌العمل کشورها در برابر این اختلالات مالی یکسان نبوده است: گروهی از کشورها به تقویت کنترل‌ها ادامه داده‌اند و گروهی دیگر با کاهش یا حذف کنترل‌ها تلاش کرده‌اند تا اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب کنند.

به طور کلی، آزادسازی حساب سرمایه، یکی از جدیدترین موضوعات روز است و در عین حال، یکی از جنجالی‌ترین سیاست‌ها نیز بشمار می‌رود و کمتر از سیاست‌های اقتصادی دیگر فهمیده می‌شود. یکی از دلایل آن هم متفاوت بودن چشم‌اندازهای تئوریک است که کاربردهای متفاوتی برای جریان‌های مطلوب آزادسازی سرمایه دارد. دلیل دیگر این است که تجزیه و تحلیل‌های تجربی، نتایج مسلم بدست آمده را رد می‌کنند.

### فهرست مأخذ

۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی / مجموعه مقالات یازدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی / آزادسازی حساب سرمایه: اقدامی در جهت اصلاح ساختار بخش مالی اقتصاد / تهران / اردیبهشت ۱۳۸۰.

2) World Development Indicators/ The World Bank/ 2001.

3) Exchange Arrangements and Exchange Restrictions/ Annual Report/ IMF/ 2000.

4) Exchange and Capital Controls as Barriers of Trade/ IMF Staff Paper/ Vol. 46/ No. 1/ March 1999.

5) Capital Account Liberalization: What do cross-country studies tell us?/ The World Bank Economic Review/ Vol. 15/ No. 3/ 2001.

### زیرنویس

۱) مراجعه کنید به منبع شماره ۵.

۱۹۹۹، اطلاعات مربوط به ۱۵ کشور را مورد استفاده قرار داد و به این نتیجه رسید که کنترل‌های خروج سرمایه به افزایش ریسک بحران‌ها منجر می‌شود و کنترل‌های ورود سرمایه به کاهش آن می‌انجامد. در ضمن، کنترل‌های خروج سرمایه با ریسک فزاینده بحران‌های بانکی همراه است، در حالی که کنترل‌های ورود سرمایه، هیچ اثر مشخصی بر روی ریسک بحران‌ها ندارد<sup>(۱)</sup>.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

آزادسازی حساب سرمایه تنها در یک فرآیند گسترده اصلاحات اقتصادی معنی پیدا می‌کند و همواره باید در یک هماهنگی کامل با سایر اقدامات اصلاحی صورت گیرد. آزادسازی حساب سرمایه با توجه به تنوع جریانات و معاملات سرمایه‌ای، رشد و توسعه ابزارها و بازارهای مالی، از پیچیدگی و گستردگی ویژه‌ای برخوردار بوده و برای آن، هم منافع گوناگون و هم مخاطرات فراوان - در صورت فقدان شرایط لازم - بیان شده است.

کشورها به منظور آزادسازی حساب سرمایه و برخوردار شدن از منافع بیشتر و کاستن از ریسک‌ها در چارچوب سیاست‌های اصلاح ساختاری اقتصاد کلان، به ویژه در بخش مالی و واقعی ملزم به رعایت مجموعه‌ای از قوانین و مقررات احتیاطی و نظارتی هستند. در ضمن، تقویت نظام بانکی و ایجاد یک بخش مالی سالم و کارآز الزامات دیگر این کشورها می‌باشد. اعمال سیاست‌های پولی و ارزی مناسب و نیز حفظ ذخایر بین‌المللی در حد کفایت نیز از دیگر ضروریات اعمال سیاست‌های آزادسازی حساب سرمایه بشمار می‌روند.

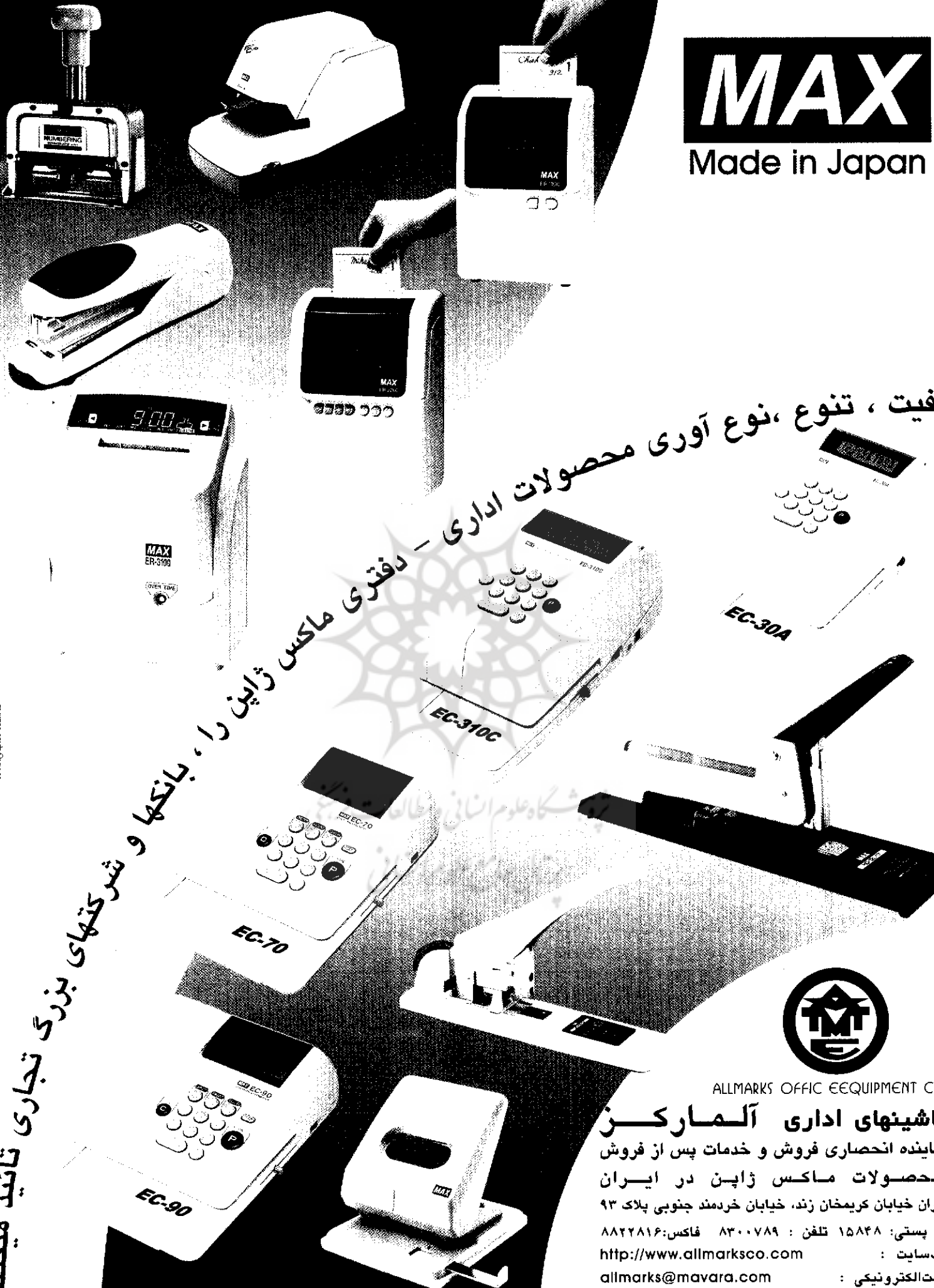
در عین حال، فرآیند اعمال آزادسازی حساب سرمایه از نقطه نظر شیوه‌های بکارگیری و تنظیم توالی و سرعت و آهنگ مناسب آن، خود یک امر پیچیده و گسترده است که با توجه به شرایط و مقتضیات متفاوت کشورها (از نظر سطح توسعه مالی و اقتصادی، ساختارهای نهادی و بازارها) با یکدیگر تفاوت دارند. تجربیات کشورها در این باره گویای آن است که کشورهای پردرآمد بیشتر مایل به حذف محدودیت‌های جریان سرمایه هستند و آزادسازی حساب سرمایه در این کشورها به رشد و توسعه اقتصادی بیشتر منجر شده است، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل نبودن نهادها و بازارهای مالی توسعه یافته، جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار کمتر صورت گرفته و کشورهایی که با کمبود پس‌انداز داخلی مواجه بوده‌اند، گرایش بیشتری به محدودسازی حساب سرمایه خود داشته‌اند و معمولاً شکاف میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی آنها در سطح حداکثر قرار داشته است.

اما اینکه آیا آزادسازی حساب سرمایه در واقع، موجب رشد اقتصادی می‌شود یا خیر؟ سوالی است که تحقیقات اقتصادی به آن پاسخ‌های متضادی داده‌اند، به

▲ واکنش کشورهای آسیایی در برابر بحران مالی آسیا متفاوت بود؛ چین، مالزی، تایلند و کره جنوبی هر یک به گونه‌ای عمل کردند.



**MAX**  
Made in Japan



Technographic-882372

فیت ، تنوع ، نوع آوری محصولات اداری - دفتری ماکس ژاپن را ، بانکها و شرکتهای بزرگ تجاری تأیید میکنند



ALLMARKS OFFICE EQUIPMENT CO.

**اشیانهای اداری آلمارکنز**  
 آینده انحصاری فروش و خدمات پس از فروش  
 محصولات ماکس ژاپن در ایران  
 ران خیابان کریمخان زند، خیابان خرمسند جنوبی پلاک ۹۳  
 پستی: ۱۵۸۴۸ تلفن : ۸۳۰۰۷۸۹ فاکس: ۸۸۲۲۸۱۶  
 سایت : <http://www.allmarksco.com>  
 ایمیل: [allmarks@mavara.com](mailto:allmarks@mavara.com) :  
 خدمات الکترونیکی :

# گزارش عملکرد هفدهمین سال فعالیت مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد

نتیجه تلاش و کوشش مستمر مدیران و کارکنان

**این کار نیک است که می ماند** **یک سال دیگر توأم با موفقیت**

\* تشویق فرهنگ پس انداز و سرمایه گذاری

\* کمک به رشد اقتصادی و افزایش اشتغال

\* جلب اعتماد عمومی با بیش از ۵۰۰/۰۰۰ نفر مشتری

\* ارائه خدمات سریع و مطلوب به مشتریان

\* اعطای تسهیلات جهت خرید خودرو به متقاضیان

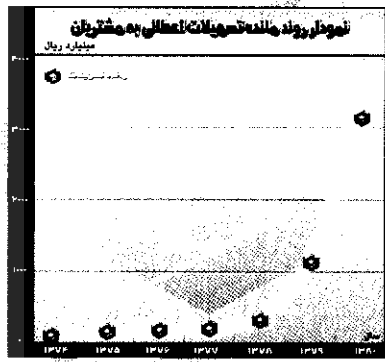
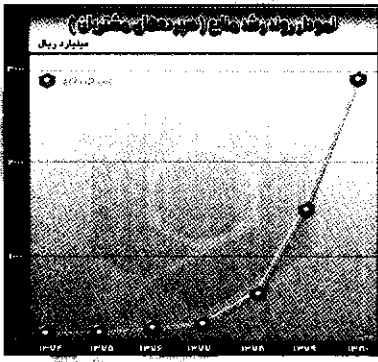
\* اعطای تسهیلات جهت خرید یا تجهیز مطب به پزشکان

\* استفاده از کارتهای اعتباری همگام با فن آوری روز

\* با ۲۶۰ شعبه مکانیزه در سراسر کشور

حساب سود و زیان برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۳۸۰

عنوان	سال ۱۳۸۰	(تجدید نظر شده) سال ۱۳۷۹
درآمدها: درآمدهای عملیاتی (تسهیلات اعطایی) کسب مبلشود هزینههای عملیاتی (سود سپردهها و جوایز)	۲۲۷/۲۵۰/۷۸۳/۲۹۵	۱۹۶/۳۳۴/۷۲۴/۲۶۹
خالص درآمدهای عملیاتی سایر درآمدها	۱۵۸/۹۲۷/۲۱۸/۷۲۸	۸۶/۳۵۷/۲۸۶/۲۹۶
جمع درآمدها	۱۹۵/۲۲۶/۸۸۰/۳۹۲	۱۰۵/۹۰۹/۹۹۲/۰۷۸
هزینههای اداری و عمومی و پرسنلی: هزینههای کارکنان هزینههای استهلاک هزینههای اداری و عمومی	۲۶/۳۳۱/۲۲۷/۱۲۳	۲۲/۱۲۷/۹۲۹/۲۶۷
جمع هزینههای اداری و عمومی و پرسنلی	۹۰/۰۶۱/۲۲۶/۳۳۲	۵۷/۳۱۱/۱۶۸/۷۹۱
سود قبل از کسر مالیات مالیات بر درآمد	۱۰۵/۱۶۵/۲۵۲/۰۵۸	۳۸/۵۹۸/۸۲۳/۲۸۷
سود خالص	۹۱/۸۷۲/۲۳۹/۳۷۷	۱۵/۲۲۲/۱۹۱/۲۲۸



شرکت مالی و اعتباری بنیاد افتخار دارد صورتهای مالی مربوط به عملکرد سال ۱۳۸۰ خود را (شامل ترازنامه و حساب سود و زیان) که مورد تایید سازمان حسابداری وزارت امور اقتصاد و دارایی و مجمع عمومی صاحبان سهام مورخ ۱۳۸۱/۳/۳۱ قرار گرفته است به اطلاع عموم معوظخان عزیز برساند.

داراییها	۱۳۸۰/۱۲/۲۹	(تجدید نظر شده) ۱۳۷۹/۱۲/۳۰	بدهیها و حقوق صاحبان سهام	۱۳۸۰/۱۲/۲۹	(تجدید نظر شده) ۱۳۷۹/۱۲/۳۰
داراییهای جاری: موجودی نقد (اسکناس و مسکوک) سپرده ها و موجودی نزد بانکها سرمایه گذاری کوتاه مدت بدهکاران عملیاتی (غیر اسلامی) وامها و سایر بدهکاران سایر حسابها و اسناد دریافتنی سپرده قانونی نزد بانک مرکزی	۱۲/۳۳۲/۰۸۶/۵۱۷	۱۲/۰۷۲/۲۸۷/۲۷۱	بدهیهای جاری: حسابهای قرض الحسنه سپرده مشتریان بابت چک و چوبه درج شده سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت سایر حسابهای پرداختی ذخیره مالیات بر درآمد سود سهام پرداختی	۱۲/۳۳۲/۰۸۶/۵۱۷	۱۲/۰۷۲/۲۸۷/۲۷۱
جمع داراییهای جاری	۲۵۷/۹۱۷/۹۲۷/۸۲۲	۱۵۲/۳۲۸/۱۶۱/۳۳۷	جمع بدهیهای جاری	۲۵۷/۹۱۷/۹۲۷/۸۲۲	۱۵۲/۳۲۸/۱۶۱/۳۳۷
داراییهای غیر جاری: دارائیهای ثابت (پس و غیر سپرده بدهت) سرمایه گذاریهای بلند مدت دارائیهای نامشهود سایر دارائیه	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	بدهیهای غیر جاری: سپردههای سرمایه گذاری بلند مدت (ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان)	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
جمع داراییهای غیر جاری	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	جمع بدهیهای غیر جاری	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
جمع داراییها	۴۵۷/۹۱۷/۹۲۷/۸۲۲	۲۶۲/۳۲۸/۱۶۱/۳۳۷	حقوق صاحبان سهام: سرمایه پرداخت شده سود (زیان) انباشته آورده صاحبان سهام بابت افزایش سرمایه نقد	۴۵۷/۹۱۷/۹۲۷/۸۲۲	۲۶۲/۳۲۸/۱۶۱/۳۳۷
جمع داراییها	۴۵۷/۹۱۷/۹۲۷/۸۲۲	۲۶۲/۳۲۸/۱۶۱/۳۳۷	جمع بدهیها و حقوق صاحبان سهام	۴۵۷/۹۱۷/۹۲۷/۸۲۲	۲۶۲/۳۲۸/۱۶۱/۳۳۷

**شرکت مالی و اعتباری بنیاد**

ترازنامه در پایان سال ۱۳۸۰

رشد ۱۰۶ درصدی سپردهها

رشد ۱۰۷ درصدی حجم تسهیلات

رشد ۱۱۶ درصدی سود